

# آواز باد

پژوهشی برجسته اجتماعی زنان ایران

سارا تیزکار

پس از جنگ جهانی اول، نوگرایان از تضییع حقوق زن در خانواده و اجتماع داد سخن می‌دهند و ضرورت تعلیم و آموزش زنان و آرایه‌ی حقوق اجتماعی را برای جامعه عقب‌مانده‌ی ایران ضروری می‌دانند. با گسترش مطبوعات موضوع زن و آزادی همواره از موضوعات محوری است ولی این حرکت‌ها محتاطانه و کند صورت می‌گیرد. با این حال، زنان به تدریج حضور خود را در صحنه‌های اجتماعی - فرهنگی به منصفی ظهور می‌رسانند.

اما اولین فعالیت‌های جنبش‌های زنان در تاریخ ایران به لژهای فراماسونری برمی‌گردد. بسیاری از زنان عالی رتبه حکومتی برای تحقق شعار برابری و آزادی عضو این لژها شده و انجمن‌های زنانه‌ای نظیر «انجمن نساوان وطن‌خواه» را تأسیس می‌کنند.

انجمن نساوان وطن‌خواه در سال ۱۳۰۱ به عنوان اولین تشکل زنان ایران توسط «محترم اسکندری» تأسیس شد. این انجمن از سیاست‌های فرهنگی رضاخان حمایت کرده و نقش عمده‌ای را در جریان کشف حجاب ایفا کرده است. سپس با حمایت رجال درباری چون «تیمورتاش» وزیر دربار وقت چهره‌های سرشناسی از زنان عرب را به یک کنگره بین‌المللی در تهران دعوت کرد تا «کنگره زنان شرق» را تشکیل دهند.

زنان در انقلاب مشروطه نیز حضور قابل توجهی نشان داده و در پیشبرد جنبش سهم مهمی ایفا می‌کنند. در واقعه رژه و اعتراضات گسترده به کمبود نان و قحطی دوره ناصرالدین شاه فعالیت‌ها شرکت می‌کنند. به شهادت تاریخ با سلاح و چادر در صف مردان جنگیدند و کشته شدند. در دوره مظفرالدین شاه در تخریب سرای بانک که دولت روسیه تزاری بنا نهاده بود، شرکت کردند و آن را در هم کوبیدند. ولی حقوق زنان در نخستین مصوبه‌ی مجلس زیر پا نهاده شد. در ماده سی و پنجم نظام‌نامه انتخاب مجلس در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۴ حق زنان در کنار اطفال و اتباع بیگانه از انتخاب شدن به نمایندگی و حتی انتخاب کردن نمایندگان مجلس محروم شدند. هم‌چنین بعد از ظهر صدور فرمان انقلاب مشروطیت به قول ملک‌زاده «اولین کسی که از حقوق زنان دفاع کرد و در روزنامه عدالت مقالاتی نگاشت و مورد تعقیب و تکفیر روحانیون قرار گرفت... سید حسن‌خان عدالت بود.»

دوران مصدق شاهد شرکت گسترده‌ی زنان در عرصه‌ی سیاسی و فرهنگی کشور بود. زنان در آن سال‌ها نه تنها در جنبش‌های دانشجویی و در اعتصاب و نیز تظاهرات خیابانی شرکت داشتند بلکه از طریق تشکل‌های زنان وابسته به احزاب سیاسی موجود حضوری سازمان یافته نیز داشتند؛ از طریق سازمان دموکراتیک زنان «وابسته به حزب توده»، «نهضت زنان پیشرو» وابسته به «جامعه‌ی سوسیالیست

سوسیالیست

های ایران»

و «کمیته‌ی

زنان» وابسته

به «حزب

ملت ایران»

و جملگی با

همان الگو

بعد از ظهر صدور فرمان انقلاب مشروطیت به قول ملک‌زاده «اولین کسی که از حقوق زنان دفاع کرد و در روزنامه عدالت مقالاتی نگاشت و مورد تعقیب و تکفیر روحانیون قرار گرفت... سید حسن‌خان عدالت بود.»

و تلقی احزاب کمونیست اروپا. حضور زنان در عرصه‌ی اجتماع، به شکل سازمان یافته و گسترده توانست شکاف‌های چشم‌گیری در فرهنگ سنتی و واپسگرایی حاکم بر جامعه ایجاد کند و در شکسته‌شدن بارهای قید و بندها و منعه‌های سنتی زن‌ستیز گامی - هرچند کوچک - بردارد. اما کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت استبداد بار دیگر روند تحولات فرهنگی - سیاسی را مسدود کرد. بار دیگر ایده‌های پیشرو آزادیخواه از ریشه دواندن باز ماندند. در عوض نیروهای واپسگرا هراسان از تغییر وضع موجود به حمایت از کودتای شاه برخاستند. اما در تنفس کوتاه سال‌های ۳۹ تا ۴۲، روندهای سیاسی - اجتماعی در سیری دیگر افتادند. این بار تحولات اقتصادی - اجتماعی از یکسو، و فشارهای آمریکا در آن دوران جنگ سرد از سوی دیگر، شاه را به اجرای اصلاحاتی واداشت که «انقلاب سفید» نام گرفت. با چیره‌شدن مناسبات سرمایه‌داری در جامعه و قانونی شدن حق رأی و حق قضاوت برای زنان، و اجرای قانون حمایت خانواده، چرخش مهمی در وضعیت حقوقی و جایگاه اجتماعی زنان پدید آمد.

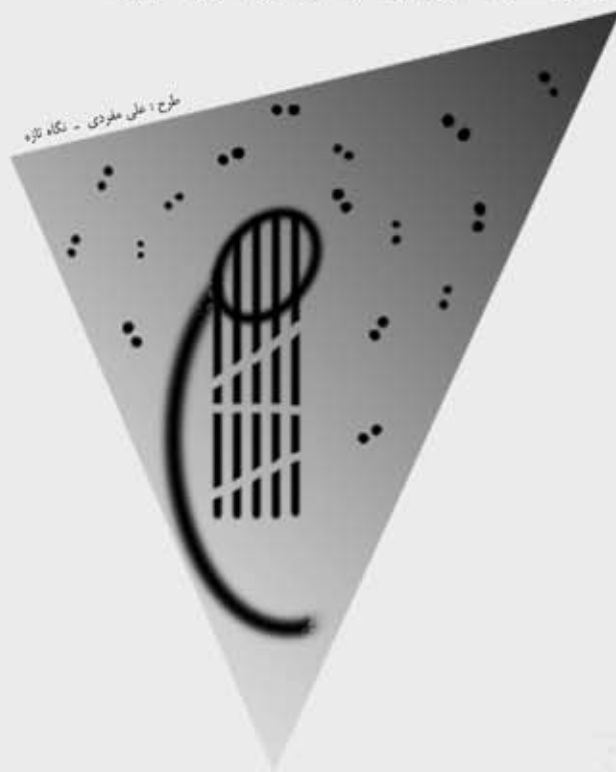
یکی از رویکردهای رنسانس که تأثیر گسترده‌ای در همه ابعاد و زوایا برجا گذاشت، تغییر نگاه نسبت به زن بود. این تغییر نگاه همراه با حرکت‌ها و جنبش‌هایی گشت که در صدد استیفای حقوق زنان برآمدند و جریانی به نام «فمینیسم» را به وجود آوردند.

جریان «فمینیسم» طیف گسترده‌ای از رویکردها به سمت اصالت دادن به زن و حقوق وی است که بر پایه اصول مارکسیستی شکل گرفته است. هم زمان با تأثیرگذاری جریان‌های غرب‌گرایی در ایران، جنبش‌های زنان نام «جنبش‌های فمینیستی» را می‌گیرد و بحث آزادی زنان در بین روشنفکران جایگاهی خاص می‌یابد.

باید قبول کرد فرهنگ و ایدئولوژی ایرانی، واپس‌گرا و زن‌ستیز است اما زنان ایرانی همواره با زیرکی و تلاش خود از دیدگاه‌های سنتی و بسته و اسلوب‌های کهنه متحجران رهیده‌اند و تفکرات مردسالارانه را محکوم کرده‌اند.

در تاریخ آمده است، پس از حمله‌ی اعراب به ایران، حجاب که ابتدا در انحصار زنان وابسته به طبقات حاکم بود به میان مردم رخنه کرد و تعصبات ناموسی به تدریج رشد یافت. ایجاد حرمسراها از جمله لگه‌های ننگی است که در جهت خیانت بی‌حساب به زنان در طبقات حاکم در شرق رواج داشته است. این طبقات برای خوشنودی امیال خود زنان بسیاری را از حقوق مربوط به زندگی اجتماعی محروم می‌کردند. تاج‌السلطنه دختر فرهیخته‌ی ناصرالدین‌شاه در خاطرات خود می‌نویسد: «زن‌های ایرانی از نوع انسانی مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند.»

به عهد قاجار که می‌رسیم فاصله چندانی میان کودکی و ازدواج نیست. زنان محصور در پستوها علی‌رغم فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف کشاورزی، دامداری و صنایع دستی به علت ناسنی‌های اجتماعی و تعصبات کور جامعه‌ی چند همسری و ایلی قاجار کمتر فرصت حضور اجتماعی می‌یافتند و به جبران آن به خرافه و جادو و جنبل پناه می‌بردند.



طرح: علی ملودی - نگاه تازه

پس از سال‌های ۴۲ حقیقتی فراگیرتر و ساختار سیاسی متمرکزتری بر جامعه اعمال شد. هر نوع مبارزه حتی در چارچوب قانون قدغن شد. تمامی گروه‌های فرهنگی یا اجتماعی از میان برچیده شدند. حتی انجمن‌های نیکوکاری زنان نیز استقلال خود را از دست دادند و به نظارت «شورای عالی زنان» به سرپرستی اشرف پهلوی درآمدند!

بنابراین دهه ۴۰ که با اصلاحات ارضی و «انقلاب سفید» آغاز شده بود در نیمه دوم خود شاهد مبارزه قهرامیز و مسلحانه علیه حکومت شاه بود. دیری نپایید که این مبارزه با حمایت بخشی از زنان روشنفکر و با شرکت فعال و گسترده دختران دانشگاهی و دبیرستانی همراه شد.

بزرگترین گروه‌های قهری معتقد به اعمال مسلحانه «سازمان مجاهدین خلق ایران» در طیف جریان مذهبی و «چریک‌های فدائی خلق ایران» در طیف جریان‌های چپ و مارکسیستی بودند. این دو سازمان گرچه تحلیل روشنی از تاریخ جامعه‌ی ما و نیز برنامه‌ی مدوئی از جامعه‌ی مورد نظرشان ارائه ندادند اما به علت درامیختگی با جان فشانی و قهرمان پروری به سرعت میان اقشار میانی و جوانان تحصیل‌کرده و دانشگاهی محبوبیتی ویژه کسب کردند و از آنجا که راه حرکت مستقل بسته شده بود، بسیاری از دختران دبیرستانی و دانشگاهی نیز به حمایت از مبارزه قهرامیز و برگرفتن سلاح روی آوردند و از این راه خواه ناخواه بسیاری از قید و بندهای سنتی - فرهنگی را در هم شکستند و زنجیرهای خانوادگی را گسستند.

بخش وسیعی از جوانان دیگر به آن جایگاهی تن نمی‌دادند که شاه برایشان تدارک دیده بود. چنان که اشکارا می‌گفت: « شما زن‌ها ممکن است از لحاظ قانونی با مردان مساوی باشید، ولی متأسفانه از لحاظ لیاقت با مردان برابر نیستید» و الگویی که از زن ارائه می‌داد این بود که « زن تنها در صورتی به حساب می‌آید که زیبا و دلربا و با رموز زنانگی آشنا باشد.» و نتیجه می‌گرفت که « این مسخره‌بازی‌های آزادی زنان دیگر چیست؟»

بسیاری از دختران درس خوانده، با ایمان به هویت انسانی و توان اجتماعی‌شان همدوش و هم‌صدا با گروه‌های مخفی و سازمان‌های چریکی، اولویت را به مبارزه علیه حکومت شاه دادند و اینگونه با انتخاب این راه به چنان منزلت اجتماعی دست یافتند که پاسخ حکومت شاه به آن نهادینه کردن زندان سیاسی زنان برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران بود. به سال ۱۳۵۰، در تیرماه، در زندان قصر یک اتاق در طبقه هم‌کف زندان عادی زنان، به بند زندان زنان سیاسی اختصاص داده شد؛ با سه زندانی و هر سه فارغ‌التحصیل رشته‌ی پزشکی. از آن پس تا دی‌ماه ۱۳۵۷ که با خیزش عمومی مردم تمامی زندانی‌ها آزاد شدند، تعداد زندانیان سیاسی زن به ۳۲۳ نفر رسید؛ از یک هفته حبس تا حکم ابد و در این بین سه زن نیز به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند؛ دو چریک فدایی و یک مجاهد. پس از انقلاب هم زنان نه تنها دست از مبارزه برنداشتند بلکه به طور سازمان یافته‌تر و منسجم‌تر به جنبش پرداختند. دیگر مرز مارکسیست - لنینیست مجاهد و چپ‌گراها و مذهبی‌ها مشخص شده و اگر پیش از انقلاب تمامی این افراد در یک خط یعنی مبارزه علیه رژیم قرار می‌گرفتند، حالا با مطرح شدن معیارها و ارزش‌های اخلاقی، مرز و تفاوت‌های آنها بیشتر مشخص می‌شد. پیش از انقلاب مبارزه مصداق این جمله بود که « مبارزه در راه آزادی، برای آزادی دولت نیست، بلکه برای آزادی دگراندیشان است.» اما پس از انقلاب و با به قدرت رسیدن مذهبی‌ها و روحانیون تفاوت‌های میان اسلام مارکسیستی و مارکسیست اسلامی کاملاً مشخص شده و تحلیل‌ها و نقدهای گوناگون انقلاب و جنبش‌های زنان را تحت تأثیر قرار داد.

مهمترین  
یخشی  
که پس از  
انقلاب برای  
ابوزیسیون  
خارج کشور  
و همین‌طور  
جامعه‌ی  
بین‌الملل  
بسه

به سال ۱۳۵۰، در تیرماه، در زندان قصر یک اتاق در طبقه هم‌کف زندان عادی زنان، به بند زندان زنان سیاسی اختصاص داده شد؛ با سه زندانی و هر سه فارغ‌التحصیل رشته‌ی پزشکی. از آن پس تا دی‌ماه ۱۳۵۷ که با خیزش عمومی مردم تمامی زندانی‌ها آزاد شدند، تعداد زندانیان سیاسی زن به ۳۲۳ نفر رسید؛ از یک هفته حبس تا حکم ابد و در این بین سه زن نیز به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند؛ دو چریک فدایی و یک مجاهد

عنوان سمبل تبعیض جنسیتی علیه زنان در ایران شناخته شد بحث «حجاب اجباری» بود که به فاصله نه چندان دور از انقلابی که نه فقط به دست زنان و مردان مذهبی بلکه به دست تمام زنان و مردان ایران از هر فرقه و حزب و گروه با گرایش‌های خاص انجام شده بود، مطرح گشت.

گرچه بسیاری از زنان سنتی به واسطه انقلاب توانستند توانمندی و حضور خود را در اجتماع بازبایند اما بسیاری از زنان لائیک نیز به شدت سرکوب گشته و اعتماد به نفسشان را از دست دادند.

و از همان هنگام بود که عده‌ای از زنان علیه اجباری شدن حجاب اقدام کردند که به نتیجه‌ی خاصی نرسید. در ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ هم‌زمان با گرامیداشت روز جهانی زن مراسم این روز به حرکت‌های اعتراض‌آمیز زنان مبدل شد که مخالفت خود را علیه حجاب اجباری اعلام کردند و این اعتراضات گسترده تا روز ۲۱ اسفندماه در مکان‌ها و به طرق مختلف ادامه یافت که با وساطت دولت بازرگان و آیت‌الله طالقانی و با شعار «لاکراه فی‌الدین» جریان خاتمه یافته تلقی شد.

در روز ۱۲ فروردین هم، یعنی ۲۰ روز پس از پایان اعتراضات، مردم با حضور در فراندوم به جمهوری اسلامی رأی می‌دهند و زنان بی‌حجاب نیز به پای صندوق‌های رأی می‌روند.

اما در نیمه دوم فروردین طرح‌هایی چون پاکسازی در مطبوعات، طرح جدید گزینش دانشجویان، زنانه و مردانه کردن دریا، ممنوعیت برگزاری تظاهرات و اجتماعات در دانشگاه تهران و ... مطرح می‌شوند. پس از انقلاب فرهنگی نیز زنان به تدریج به حفظ حجاب دعوت می‌شوند و سپس این دعوت به اجبار بدل شده و شکل قانونی به خود می‌گیرد.

پس از تحولات دوم خرداد ۷۶ نیز مطبوعات به بررسی مشکلات زنان پرداخته و انواع نقدهای روان‌شناسانه بر روند اصلاحات سرعت بخشیدند. بحث پلورالیسم نیز در حوزه نواندیشان دینی مطرح شده و حقوق فردی و شهروندی اهمیت ویژه می‌یابد.

زنان در مبارزه‌ی خود اشکالی نوین و مستقل می‌آفرینند و حتی به صورت روزمره و خودجوش در سرنوشت خود، فعالیت‌ها، کتاب‌ها و نشریات ویژه زنان و نیز گروه‌های فمینیست

گسترش یافته و شرکت نه تنها زنان بلکه مردان روشنفکر نیز در فعالیت‌ها و جنبش‌ها حکایت از آگاهی هرچه بیشتر در مورد ضرورت ایجاد نهادهای مستقل زنان و منع کلیه تبعیض‌ها می‌کند.

امروز، زنان ما در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزش‌های دسته‌جمعی، ایجاد ارکسترهای زنان، انتشار سالنامه‌ی ویژه زنان و حضور بی‌سابقه در کنکور دانشگاه‌ها (بیش از ۶۰٪ داوطلبان) لیاقت‌های خود را به جامعه و به خصوص سنت‌گرایان اثبات کرده و حال و هوای نوینی را به جامعه دمیده‌اند.

تعداد روز افزون ناشران، شاعران و نویسندگان، ورزشکاران و دانشجویان زن نشان از جایگاه بر اهمیت زنان در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران دارد.

خولت‌های  
زنان یعنی  
حق اشتغال  
آزاد، حق  
آموزش  
برابر، حق  
سیاسی برابر  
و... بر اثر  
تلاش‌های

زنان امروز ایران نگاهی فراتر از تصور مضحک «تساوی زن و مرد» داشته و به خلاف تصور بنیادگرایان پیوستن ایران به «کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان» را برای آزادی‌های پیش پا افتاده نمی‌خواهند و جنبش فمینیسم را تنها به گرفتن مراسمی به مناسبت روز ۸ مارس (روز جهانی زن) محدود نمی‌کنند

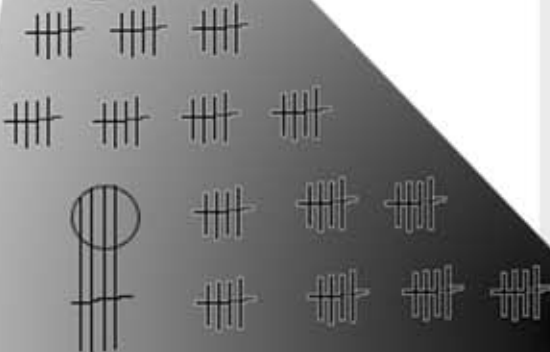
پیگیر زنان و تغییر تدریجی تفکرات سنتی، رنگ واقعیت به خود می‌گیرند و فعالیت‌های زنان نیز از این کنفرانس و آن گروه کوچک فراتر رفته و با رسوخ در عمق جامعه و ایجاد تشکلهای غیر دولتی زنان و NGO ها و فعالیت‌های فراملیتی، «فمینیسم» را از یک جنبش سیاسی و اجتماعی برای کسب تساوی و حقوق برابر به نوعی دانش و شناخت تبدیل می‌کند. شناختی که با پرسشگری و نظریه‌پردازی توانسته است که سطح آگاهی انسان‌ها را نسبت به مسأله‌ی جنسیت و نقش زن بالا ببرد و نگاه مستبدانه و قاطعانه پدرسالار را در هم بشکند.

زنان امروز ایران نگاهی فراتر از تصور مضحک «تساوی زن و مرد» داشته و به خلاف تصور بنیادگرایان پیوستن ایران به «کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان» را برای آزادی‌های پیش پا افتاده نمی‌خواهند و جنبش فمینیسم را تنها به گرفتن مراسمی به مناسبت روز ۸ مارس (روز جهانی زن) محدود نمی‌کنند.

این شور و آرمان‌گرایی حکایت از ایجاد موج جدیدی از تفکر و خاستگاه اجتماعی دارد که هرگز نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آن عبور کرد. حال باز هم سؤال خانم ویداحاجبی تکرار می‌شود «آیا راه پیشرفت در جامعه‌ی استبداد زده‌ی ما در گرو پیشرفت و رهایی زنان کشور ما نیست؟»

منابع :

- ۱- جنس دوم ۴ (مجموعه مقالات)، جلد دهم، تهران، نشر توسعه، ۱۳۸۰.
- ۲- پژوهشی درباره‌ی خشونت علیه زنان در ایران، مهرانگیز کار.
- ۳- شناخت هویت زن ایرانی، مهرانگیز کار (شهلا لاهیجی)، روشنگران، ۱۳۷۱.
- ۴- تحولات فرهنگی - اجتماعی جوانان جنوب شهر، مسرت امیرابراهیمی، گفتگو، بهار ۱۳۷۷.



طرح: علی مفردی - نگاه تازه